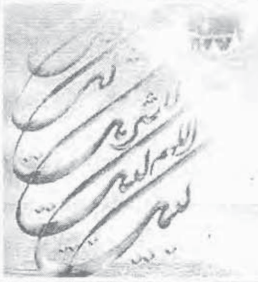
هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



"مجاهد" حلول عید سعید اضحی را به تمام هموطنان عزیز تبریک و تهنیت عرض می دارد

دور ششم | سال ششم | شمارهٔ سی و یکم | شنبه ۲٤ قوس ١٣٨٦ | ٥ ذوالحجه ١٤٢٨ - | 15 December 2007



پیام استاد ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت فرا رسیدن عید قربان

عید مظهر پیوند عمیق و نا گسستنی میان دین و دنیا، ماده و معنی در تعالیم اسلامی است

هموطنان متدین!

فـرا رسیدن عید سعید اضحی را به شما برادران وخواهران عزیز وهمه امت اسلامی مبارکباد می گویم.

واز بارگاه اقدس الهی به دست دعا ونیازمندم

حلول این عید بزرگ را طلیعهٔ عزت وسرفرازی، اتحاد وهمدلی، وامنیت سرتاسری درکشور برقراردهد. اعیاد اسلامی و بخصوص دو عید بزرگ فطر واضحی درتاریخ مسلمانان از اهمیت خاصی برخوردارند.

عید مظهر پیوند عمیق و نا گسستنی میان دین و دنیا، ماده و معنی در تعالیم دینی است. اتصال زمانی این دو عید با دو رکن عمده دینی، روزهٔ ماه رمضان وحج بیت الله بیانگراین حقیقت است که انسان کامل درنگاه اسلام مخلوق یک بعدی نیست نه او فرشته است که فقط بر اوجنای تجرد ومعنویت قرار داشته باشد، ونه هم شیطان که در لجن زار مادیت دست وپازند، او درمسیر تکاملی زمانی قادر به حفظ توازن خود می گردد که روی خط قطار مادی ومعنوی حرکت نماید، وبا بیرون شدن از یک خط با سقوط ونا بودی رو به رو شد نی است.

برادران وخواهران عزیز!

در سال جاری با سپری نمودن ماه تقوی وطهارت روزه، صیام وقیام عید در عید فطر به مهمانی الهی شتافتیم، واز خوان احسان مادی ومعنوی پروردگار بهره مندشدیم واینک در آستانهٔ تجلیل از عید قربان قرار داریم.

عید قربان تنها یاد بود حیرت انگیز ترین حادثه وماجرای تاریخ نیست، بلکه سرآغاز یک دورهٔ مهم وماندگار تاریخ است که سه دین بزرگ آسمانی اسلام و یهودیت ومسیحیت آغاز گراین دورهٔ تاریخ ونسل و سلالهٔ این بزرگ این بزرگمرد ابوالا نبیاء ابراهیم خلیل علیه السلام گره خورده است.

حج بیت الله که یکی از ارکان مهم اسلام است میراث ماندگار این پیامبر اولوالعزم علیه السلام است.

با بررسی در زندگی پرماجرای ابراهیم خلیل و کارنامه های بزرگش به این نتیجه می رسیم که پدیده ها ودست ها ودست آوردهای بزرگ تاریخ حاصل زندگی انسان های طفیلی ومفتخوار نبوده بلکه محصول رنج های فراوان مردان بزرگ و صبور ومقاومی است که درگذرگاه پرخم وپیچ زندگی با پایمردی ومقاومت ازمیان صخره های زمزم ،حیات را جاری ساخته واز اعماق ظلمت وتاریکها فروغ ابدیت را روشن نموده و دردل یأس ونا امیدی ها کعبهٔ امید وآرزوی دلها را آباد نموده اند.

حیات ابراهیم از صبحگاه جوانی درعراق تا تعمیر بیت الحرام دفتر بزرگی از درس ها وآموزه ها درمسیر تکامل وعروج انسان است. **ادامه در ص۵**

استفادهٔ ابزاری از حقوق بشر در افغانستان

ص۲

ملاسنگین کشته شد

نیروهای ایتلاف در شرق کشور با انتشارخبرنامه یی از کشته شدن ملاسنگین، یکی ازفرماندهان گروه حقانی خبرداده اند.

در اعلامیهٔ منتشر شده از سوی نیروهای ائتلاف محل دقیق کشته شدن این فرمانده مشهور طالبان چیزی نیامده است. نیروهای ایتلاف گفته اند که ملاسنگین از جملهٔ فرماندهان مخالف دولت افغانستان بود که در بسیاری از حملات انتحاری و بمب گذاری های کنار جاده یی در ولایات شرقی کشور دست داشته است.

نیروهای ائتلاف گفته اند که این دومین فرمانده گروه حقانی است که طی ماه گذشته کشته می شود.

ملا سنگین از افراد مشهور طالبان بود که ایالت متحدهٔ امریکا برای کشتن وی بیست هزار دالر جایزه تعیین نموده بود.

ملاسنگین در زمان حاکمیت گروه طالبان به حیث رئیس اطلاعات یکی از ولایات ایفای وظیفه می نمود. او بعد از سقوط این گروه همچنان به مخالفت خود با دولت افغانستان و نیروهای خارجی در شرق کشور ادامه داد.



راهکارهای صلح درافغانستان

متن سخنرانی محمد نسیم فقیری رئیس دارالانشای جمعیت اسلامی در همایش" راهکار های صلح وتأمین امنیت"

اشاره: روز پنجشنبه ۱۵ قوس کنفرانسی از سوی دفتر جمعیت اسلامی افغانستان در ولایت هرات تحت عنوان " راهکارهای صلح وتأمین امنیت در افغانستان" برگزارشد که درآن بیش از دوهزار نفر شرکت ورزیده بودند وشماری از شخصیت های جمعیت درهرات در آن سخنرانی کردند. از دفتر مرکزی جمعیت هیئتی به ریاست رئیس دارالانشای جمعیت به استاد محمد نسیم فقیری دراین کنفرانس شرکت ورزیده بود وآقای فقیری به نمایندگی از دفتر مرکزی جمعیت درآن سخنرانی کردکه ما متن سخنرانی ایشان را به خوانندگان گرامی تقدیم می کنیم.

درنومشرانو، علماوو، جهادي سرلورِ قوماندانانو، د جهاد ژوندي شهيدانو معلولونو، خويندو او ورونو!

لـه هر څـه لـه مخـی د افغانستان د اسلامی جمعیت د گران مشر استاد برهان الدين رباني او پـه کابل کـی د اسلامی جمعیت د مرکزي دفتر د مسؤولينو او غړو تاوده سلامونه او نيکی هيلی ستاسی درانه حضورته ډالی کوم. **ادامه در ص۶**

برف کوچ در بدخشان جان هشت تن را گرفت

در پی سرازیر برف کوچ درولسوالی بهارک ولایت بدخشان افغانستان، هشت نفر کشته، چهار نفر زخمی و هشت تن دیگر ناپدید شده اند.

وزارت داخله می گوید این حادثه در منطقه "بام دره" در ولسوالی بهارک روی داده و ۵۰ نفر زیر برف گیر مانده بودند و اکثر آنان توسط مردم محل و ماموران پلیس نجات یافتند.

به گفتهٔ این وزارت، تلاش برای پیدا کردن افراد ناپدید شده جریان دارد.

عبدالودود، فرمانده پلیس ولسوالی بهارک در تماس با بی بی سی گفت **ادامه در ص۷**

با پایان یافتن دومین سال کاری تعطیلات زمستانی پارلمان آغاز شد

محمد یونس قانونی، رییس مجلس نمایندگان گفت پارلمان افغانستان در سال جاری با وجود نا رسایی ها دستاورد های چشمگیری داشته است.

آقای قانونی گفت:"امسال وکلای ما درمجلس نمایندگان نسبت به سال گذشته با دستاورد بیشتر به تعطیلات رفتند. از مجموع ۱۷۰ سند تقنینی، که در واقع ثمره کار پنج ساله حکومت ما بود، به یکبارگی به شورای ملی نوبنیاد افغانستان فرستاده شد. از این میان طی دو سال گذشته ۵۶ سند تقنینی در مجلس نمایندگان افغانستان تصویب شد."

رییس مجلس نمایندگان افزایش مواد مخدر، فساد، نا امنیها و ضعف ادارات دولتی را از جمله مواردی خواند که مجلس نمایندگان در این دور کاری مشغول بررسی آن بوده است.

رییس مجلس نماینده گان نیز پذیرفت که تعدادی از نمایندگان در جلسات کاری پارلمان حضور چندان چشمگیری نداشته اند. **ادامه در ص۷**

سرمقاله

حج نماد توحید خدای و یکرنگی بندگان

ص۲

آیا ماجرای موسی قلعه به پایان رسید؟

ص۳

لوی اختر در قربانیو اختر

ص۳

احکام و مسائل قربانی



ص۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل - بهارستان - جادهٔ معین الدین چشتی - کوچهٔ قصابی دست چپ - کوچهٔ پنجم - خانهٔ پنجم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahidweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

حج نماد توحید خدای و یکرنگی بندگان

ما اکنون بر دروازهٔ برگزاری یکی از مهمترین شعایر دین، حج قرار گرفته ایم.

اسلام دین توحید خدای در اعتقاد و پرستش ومظهر یک رنگی وبرابری همهٔ افراد خانوادهٔ بشری است و همهء تعالیم و آموزه های آن برمحور همین اصل بنیادین دور می زند. حج که جشنواره یی بزرگ از یاد وکارنامه های توحیدی ابراهیم علیه السلام پدر مسلمانان است با جلوه ها و مظاهر گونه گونش مانند ایستادن بر دشت عرفات و ماندن در مزدلفه و سنگ زدن به شیاطین و طواف در پیرامون کعبه و دویدن در میان صفا و مروه، در نماد عینی و تجربی این اصل را به نمایش می گذارد.

اسلام هیچ گونه تمایز و برتری را در میان جامعهء انسانی به رسمیت نمی شناسد و هیچ کسی را به هیچ لحاظی بر دیگری جز تقوی و طهارت - که آن هم امری است باطنی و قلبی - برنمی کشد و پیوسته باتعالیم و دساتیرش سعی می ورزد که انسان را متوجه این ارزش بزرگ سازد.

اما غالباً تعلقات زندگی دنیا یی وناگزیری های آن مانعی در راه تبلور وحضور عینی این خواست می گردد ولی حج با همه جلوه ها و صحنه هایش زمینهء بسیار بلند ترجمهٔ عملی و تجسم آن است.

جماعت گسترده یی از خانوادهء بشری، از نژادها وجای ها وگروه ها ورنگ ها ولایه های گونه گون بالباس های سپید ویک سان در پیرامون هم جمع می شوند وبا سردادن شعارها و دعاها وکارهای یک رنگ خدای یگانه خویشتن را به پرستش می گیرند.

به یقین هیچ دینی و هیچ مکتبی نتوانسته است در یک چنین همایشی بزرگ به گونهء واقعی همه انسان ها را یک سان وبرابر نمایش دهد. بناءً حج با آن که یکی از مهمترین ارکان اسلام به شمار می آید، یکی از انسانی ترین مظاهر آن نیز تلقی می گردد. انسانیت خسته از جفاهای چند رنگی وتفوق طلبی وبهره کشی جز در سایهء این دین راستین و انسانی آرامش نخواهد یافت. تمدن امروزین با به دست دادن پیشرفته ترین ابزارهای زندگی مرفه راهی به سوی زدودن رنج ها و دردمندی های انسان از تفرقه و تبعیض وبرتری جویی نبرده است.

بی تردید یکی از جانکاه ترین درد جامعهٔ ما ناشی از تفرقه جویی و برتری خواهی و یکی نشدن برپایهٔ عدالت و مساوات است، و شاید این درد مهم ترین مشکل جامعهٔ ما را بسازد و بسیاری از ناتوانی های دیگر ما از آن تغذیه کند.

برمسلمانان لازم است با بهره وری از حال وهوای حج بریک رنگی ویک دلی خویش تأکید ورزند ودرپیرامون مسائل خود به بحث بنشینند و برای بحران ها و نابسامانی های جامعهء خویش راه های حل دلسوزانه و برادرانه بروز بدهند.بی تردید یکی از فلسفه های بسیار ارزشمند حج همین امر است که مسلمانان لااقل سال یک بار در یک کنفرانس بزرگ جهانی پیرامون هم جمع شوند و مسائل واندیشه های خود و جامعهء انسانی را در پهلوهای گونه گون فرهنگی وعلمی واقتصادی واجتماعی مورد مطالعه وارزیابی قرار دهند. این که قرآن کریم در یکی از آیاتش در بیان حکمت های حج در یافتن منافع مسلمانان را از حکمت های آن می خواند (لیشهدوا منافع لهم) روی به همین مقصد دارد.

استفادهٔ ابزاری از حقوق بشر در افغانستان

هابیل

استفادهٔ ابزاری از ارزش ها در افغانستان سابقهٔ دراز دارد. چنین استفاده در جنگ های میان گروهی مجاهدین صورت گرفت. گروه های شورشی ضد دولت اسلامی با استفاده از توجیه و تفسیرهای دینی، پیروان خویش را به میدان های جنگ سوق می دادند و با ادعای دین پروری بیشتر سعی می کردند برتری جویی و قدرت طلبی خویش را پنهان سازند. گروه های چپی نیز در مبارزهٔ کسب قدرت و نابودی گروه ها و جناح های مخالف با استناد بر باورها و هدف های چپ گرایانه و گویا مترقی، به تخطئهٔ گروه های مخالف می پرداختند، و به دنبال دست یابی به برتری ایدئولوژیک بودند.

اکنون نیز ادعای حقوق بشر توسط حکومت افغانستان و لیبرال ها، به عنوان ابزار ایدئولوژیک علیه مخالفین به کار گرفته می شود. دولت با همکاری متحدین سکولار خویش تلاش می کند، تا مخالفین را به عنوان ناقضین حقوق بشری، جنایت کاران، جنگسالاران و اتهامات دیگری تضعیف نموده و کاملاً آنها را از گردونهٔ سیاست افغانستان حذف نمایند.

در این شکی نیست که در همه جا در زمان جنگ و بحران، میزان آسیب پذیری حقوق بشری افزایش می یابد و به پیمانه های متفاوتی غیر نظامیان متضرر می گردند، افغانستان در زمان جنگ نیز از چنین رویدادی در امان نماند، و تخطی های زیادی به میان آمد. پروسهٔ نقض حقوق بشر با پایان جنگ از میان نرفت و تا هنوز این تراژدی ادامه دارد. اکنون نیز افراد غیر نظامی در بمباران ها کشته می شوند، به اعتراف رئیس جمهور، اکنون نیز کسانی و گروه هایی هستند که برای مردم دسیسه می سازند، حقوق برخی را پامال می کنند و عده یی را در زندان می افگنند. بنا بر اظهارات ناظرین معتبر بین المللی، محاکم، پلیس و سایر ادارات دولتی افغانستان، غرق در فساد بوده باعث تضییع حقوق شهروندان می شوند، طبق گزارش سازمان ملل، حکومت افغانستان، از جملهٔ معدود دولت های دارای بیشترین میزان فساد می باشد. طبق بر آورد وزارت شهرسازی افغانستان، بیش از یک و نیم میلیون هکتار زمین دولتی در تصرف اشخاص و زورمندان قرار دارد، تنها در شهر کابل بیش از یک میلیون جریب زمین دولتی و شخصی از طرف افراد زورگو غصب گردیده که، بدون شک اکثریت این غصب ها در زمان حکومت کرزی صورت گرفته است، اگر ادعا شود زمین هایی که در این زمان غصب شده، بیشتر از زمین هایی است که در زمان حکومت های پیشین طالبان، مجاهدین، خلقی ها، داوود خان و ظاهر شاه غصب گردیده است، دور از حقیقت نخواهد بود، گسترش زور آبادها در ده سبز، خیرخانه، چمتله، تپهٔ مرنجان و نقاط دیگر کابل، این ادعا را ثابت می سازد.

اکنون باید به این سؤال پاسخ گفت که مسؤولیت تخطی هایی که در زمان حکومت آقای کرزی صورت گرفته به دوش کیست؟ آیا می توان مسؤولیت کسانی را که در گذشته متعلق به مجاهدین، طالبان و یا خلقی ها بودند و اکنون دست به جنایت می زنند، به دوش حکومت های پیشین انداخت و حکومت کنونی را از آن تبرئه کرد؟ آیا برای کسی قابل پذیرش خواهد بود که حکومت آقای کرزی مسؤولیت جنایاتی را که اکنون صورت می یابد به دوش نمی گیرد و گناه آن را به گردن حکومت های پیشین و گروه

رئیس جمهور خود مرتباً روشن ترین موارد حقوق بشری را نقض نکرده است. رعایت حقوق بشری توأم با رعایت قانونمداری صورت می پذیرد متأسفانه رئیس جمهور پیوسته قانون شکنی کرده و گاهی حتی دست به تحریف قانون اساسی زده است. آیا نقض حقوق بشری بالاتر از تحریف قانون اساسی متصور است؟

های مخالف خود فرا می افگند؟ اگر حکومت مجاهدین ادعا می نمود که بنا بر عدم امکانات، مداخلهٔ خارجی و موجودیت گروه های قدرتمند مسلح مخالف نتوانسته است جلو نقض حقوق بشر را بگیرد و جنایتکاران را مجازات نماید، تا اندازهٔ زیادی قابل درک بود، با توجه به آن که در آن حکومت، حتی یک حکم اعدام امضا نشد و در طول تاریخ اخیر افغانستان، کمترین تعداد زندانیان سیاسی را داشت، اما حکومت آقای کرزی وقتی ادعا می کند که نمی

در صورت ادامهٔ استفادهٔ ابزاری از حقوق بشر از طرف دولت و گروه های غربگرا، ادعای حمایت از این حقوق و جلوگیری از نقض آن، چون ادعاهای حزب دموکراتیک مانند حمایت از کارگران، و پرولتاریا و یا شعارهای اسلامی برخی گروه ها، به سخنان میان تهی تبدیل گردیده و دیگر کسی به آن ارزشی نخواهد گزارد

تواند جلو نقض حقوق بشر را بگیرد به دلیل آن که اکنون در شهر کابل تعداد زیاد نظامیان خارجی حامی دولت افغانستان مستقرند و جامعهٔ جهانی امکانات هنگفتی را برای تقویت و تجهیز پلیس، اردوی ملی و نیروهای امنیتی سرمایه گذاری می نماید، نمی تواند مورد پذیرش باشد.

جلوگیری از ادامهٔ نقض حقوق بشر نسبت به رسیدگی به جنایات گذشته ارجحیت دارد و در صورتی که، دولت قادر نیست از پامال شدن حقوق شهروندان جلوگیری نماید و ناقضینی را که اکنون دست به جنایات می زنند مجازات کند، حرف از رسیدگی به جنایاتی که سال های پیشین صورت گرفته، شعاری میان تهی بیش نیست و ثابت می کند که، دولت جز بهره برداری سیاسی از حقوق بشر هدف دیگری ندارد.

آقای کرزی تلاش می کند به اصطلاح "دیگران" را که گمان می شود هدفش گروه های عضو جبههٔ متحد سابق باشد، بیش از طالبان برای نظام خویش و برای ثبات افغانستان خطرناک جلوه دهد، در حالی که ساحهٔ تحت قلمرو دولت وی، مناطق تحت نفوذ گذشتهٔ آن جبهه مخصوصاً جمعیت اسلامی می باشد، علت آن که طالبان تا هنوز نتوانسته اند امنیت و ثبات نسبی در مناطق سابق جبههٔ متحد را مختل سازند، نه توانمندی دولت بلکه، مخالفتی است که مردم در برابر طالبان دارند. سایر مناطق افغانستان، مخصوصاً جنوب و جنوب غرب کشور که، تحت تسلط طالبان قرار داشت، اکنون نیز در آن مناطق فعالیت و حضور طالبان چشمگیرتر است.

دولت تا هنوز نتوانسته است ادعای پابندی و احترام خویش را به حقوق بشر و جلوگیری از نقض این حقوق به اثبات برساند، و چنین رویکردی در حد یک ادعا و شعار باقی مانده است.

در صورتی که دولت واقعاً به دنبال مجازات ناقضین اصلی حقوق بشر باشد، هیچ گروهی نمی تواند با این کار مخالفت نماید. آن طوری که معلوم است هیچ گروه سیاسی، نقض حقوق بشر و جنایت را به عنوان رویکرد برنگزیده است و اعضای هیچ گروهی طرفدار نقض حقوق بشر نیستند، بلکه جنایتکاران و ناقضین حقوق بشر کما بیش در صفوف هر گروهی قرار دارند. در صورتی که دولت آقای کرزی واقعاً در صدد محاکمهٔ مجرمین باشد، باید به جای آن که گروه های مخالف خویش را یکسره جنایتکار بخواند اقدام به محاکمه و مجازات چنین مجرمین نماید. متهم کردن گروه های مخالف به نقض حقوق بشر شانه خالی کردن از مسؤولیت تأمین حقوق مردم و مجازات جنایتکاران بوده و نشانهٔ آن است که دولت در پی انحصار قدرت و سرکوب اپوزیسیون از این حقوق استفادهٔ ابزاری می نماید. اعلان برنامه هایی چون عدالت انتقالی جز دسیسه و توطئهٔ سیاسی علیه مخالفین چیزی دیگری نیست. این در حالی است که رئیس جمهور خود مرتباً روشن ترین موارد حقوق بشری را نقض نکرده است. رعایت حقوق بشری توأم با رعایت قانونمداری صورت می پذیرد متأسفانه رئیس جمهور پیوسته قانون شکنی کرده و گاهی حتی دست به تحریف قانون اساسی زده است. آیا نقض حقوق بشری بالاتر از تحریف قانون اساسی متصور است؟

در صورت ادامهٔ استفادهٔ ابزاری از حقوق بشر از طرف دولت و گروه های غربگرا، ادعای حمایت از این حقوق و جلوگیری از نقض آن، چون ادعاهای حزب دموکراتیک مانند حمایت از کارگران، و پرولتاریا و یا شعارهای اسلامی برخی گروه ها، به سخنان میان تهی تبدیل گردیده و دیگر کسی به آن ارزشی نخواهد گزارد.

آیا ماجرای موسی قلعه به پایان رسید؟

وحید مژده

سپردن اداره‌ء موسی قلعه به بزرگان محلی توسط انگلیس ها در اکتوبر ۲۰۰۶ یکی از تحولات جنجال برانگیز در عرصه‌ء نظامی در طول شش سال گذشته در افغانستان بود. این کار که در سال گذشته صورت گرفت، با مخالفت های وسیع در سطح داخلی و بین المللی مواجه گردید. به خصوص این که طالبان در این ولسوالی ادارات خود را برقرار کردند و بزرگان محلی مورد تأیید ژنرال انگلیسی دیوید ریچاردز را خلع قدرت نمودند.

انگلیس ها در آن زمان چاره یی جز این کار نداشتند. راه مواصلاتی به موسی قلعه ناامن بود و اردو و پلیس ملی افغانستان نیز توان مقابله با طالبان را نداشتند. اکمالات نیروهای مستقر در موسی قلعه از طریق هوایی ایجاب مصارف فراوان را می نمود.

اما معامله‌ء انگلیس ها با طالبان با مخالفت امریکا و دولت افغانستان مواجه شد. ماجرای موسی قلعه در شرایطی به میان آمد که در امریکا انتخابات میان دوره یی در راه بود و جورج بوش نمی خواست پس از ناکامی در رسیدن به اهداف در عراق، در افغانستان نیز عقب نشینی در برابر طالبان را به نمایش بگذارد.

این ماجرا نمایانگر نوعی اختلاف در تاکتیک مبارزه علیه تروریسم میان امریکا و انگلیس بود. انگلیس ها در صدد بودند تا با سپردن مناطقی به طالبان محلی، آنها را در برابر طالبان هوادار ملا محمد عمر قرار دهند. هرچند در آن زمان امریکایی ها با این اقدام انگلیس ها مخالفت کردند اما اکنون به نظر می رسد که خودشان در عراق همین کار را کردند. آنها با سپردن قدرت به ملیشای قبایلی در عراق، آنها را در برابر جنگجویان القاعده قرار دادند که در تأمین امنیت تأثیری محسوس از خود برجا نهاد.



موسی قلعه به این دلیل اهمیت داشت که "رسماً" به طالبان سپرده شد و باز پس گیری آن نیز به حدی مهم بود که هم نخست وزیر و هم وزیر دفاع انگلستان به افغانستان آمدند تا جریان را از نزدیک شاهد باشند

نمادی از ضعف

از اکتوبر ۲۰۰۶ در سطح رسانه های بین المللی، معامله‌ء موسی قلعه به عنوان نمادی از ضعف نیروهای ناتو در برابر طالبان به شمار آمد. در هر مقاله یی در مورد وضع افغانستان، ذکری از موسی قلعه هم به میان می آمد که چگونه طالبان موفق شدند تا نیروهای خارجی را در آن جا ناچار به قبول شکست سازند. سپردن این ولسوالی به طالبان با خشم دولت افغانستان مواجه شد. حامد کرزی دوماه قبل طبق معمول در یک سخنرانی احساساتی، انگلیس ها را متهم نمود که ولایت هلمند را به طالبان سپردند.

این تنها موسی قلعه نبود که در تصرف طالبان قرار داشت؛ همین اکنون ولسوالی های دیگری در همین هلمند تحت کنترل طالبان بوده و محاکم آنان فعال است. چند روز قبل طالبان در ولسوالی میزان این ولایت دو تن را به اتهام قتل قصاص کردند. ولسوالی های واشیر، باغران و نوزاد هم در دست طالبان است.

اخراج طالبان پایان کار نیست

موسی قلعه به این دلیل اهمیت داشت که "رسماً" به طالبان سپرده شد و باز پس گیری آن نیز به حدی مهم بود که هم نخست وزیر و هم وزیر دفاع انگلستان به افغانستان آمدند تا جریان را از نزدیک شاهد باشند.

تقریباً از سه ماه به این طرف اخباری مبنی بر آمادگی ها برای حمله به موسی قلعه به نشر می رسید اما منابع نیروهای خارجی آن را رد می نمودند و تحرکات شان در این منطقه را عملیات معمول و روزانه قلمداد می کردند. حامد کرزی گفت که از دونیم ماه قبل نقشه‌ء حمله بر ولسوالی موسی قلعه طرح شده بود.

به هرحال مسألهٔ پاکسازی موسی قلعه از وجود طالبان نمی تواند به معنی پایان کار باشد. نیروهای دولتی مستقر در این ولایت برای اکمالات خویش به راه امن نیاز دارند اما راه های منتهی به این ولسوالی غالباً با کمین طالبان مواجه می باشد. اکمالات از طریق هوا هم مشکل و هم پر مصرف است.

مطلب دیگری که تا کنون دولت در پرده از آن سخن گفته است این است که جمعی از طالبان با دولت در تماس شده اند و می خواهند با دولت همکاری کنند. این که واقعاً چنین تماسی تا کدام حد می تواند در تأمین امنیت در هلمند مؤثر باشد، در آینده مشخص خواهد شد

دولت مدعی است که مردم این ولسوالی از مظالم طالبان به جان آمده بودند و از دولت خواهان نجات خویش بودند. اکنون باید در این ولسوالی نهاد های دولتی، به مشوره‌ء مردم تشکیل گردد ومردم در تصامیم شریک باشند.

بازسازی

خبر از کمک های وسیع برای بازسازی موسی قلعه در میان است اما در گذشته هم در ولسوالی های پنجوایی و ژیری نیز در موارد مشابه خبر از کمک های وسیع در میان بود اما مردم کمکی دریافت نکردند.

رسانیدن کمک به منظور بازسازی به این ولسوالی هم با چالش های مشابه مواجه خواهد بود. این مشکل در تمام مناطق جنوب کشور موجود است. از چندماه به این طرف کار انتقال توربین بند برق کجکی از قندهار به این بند به خاطر ناامنی راه به تأخیر افتاده است.

نخست وزیر انگلستان در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با رئیس جمهور کرزی، از کمک به بازسازی موسی قلعه وعده داد.

پیروزی

خارج شدن طالبان از موسی قلعه را دولت افغانستان ونیروهای خارجی یک موفقیت بزرگ برای خویش می دانند اما شایعاتی در جریان است که کنترل این ولسوالی به ملیشای محلی سپرده خواهد شد.

مطلب دیگری که تا کنون دولت در پرده از آن سخن گفته است این است که جمعی از طالبان با دولت در تماس شده اند و می خواهند با دولت همکاری کنند. این که واقعاً چنین تماسی تا کدام حد می تواند در تأمین امنیت در هلمند مؤثر باشد، در آینده مشخص خواهد شد.

سفر نخست وزیر و وزیر دفاع انگلستان به افغانستان و دیدار آنان با سربازان بریتانیایی در ولایت هلمند، به منظور تقویت روحیه‌ء سربازان صورت گرفت. آنها از سربازان خویش که از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ هشتاد و شش کشته داده اند، تجلیل کردند. در جنگ موسی قلعه در کنار سربازان اردوی ملی، سربازان ده ها کشور عضو ناتو به صورت مستقیم یا غیر مستقیم شرکت داشتند. دو مقام بلند پایه انگلستان به خاطر جنگ در یک ولسوالی به افغانستان سفر کردند تا از آمادگی های لازم برای حمله به موسی قلعه مطمئن گردند. جنگ در برابر کدام نیرو؟ در برابر گروهی که سخنگوی وزارت دفاع افغانستان همیشه ادعا دارد که آنها توان مقابلهٔ رویاروی را از دست داده اند! آیا تمهیداتی چنین وسیع آن هم برای بازپس گیری یک ولسوالی از دست طالبان، نوعی بزرگ نمایی قدرت جانب مقابل نبود؟

لوی اختر د قربانیو اختر

زکوخیل

د اسلام د مقدس دین د سپڅلو ارزښتونو او لارښوونو په رڼا کې، د نړۍ ټول مسلمانان د لوی اختر ورځې له خپلو ځانګړو دودونو او رواجونو سره سم په داسې شپو ورځوکې لمانځي، چې د نړۍ په ملیونونو هغه شتمن مسلمانان، چې حج ورباندې فرض شویدی د مکې معظمې په ښارکې د لوی خدای (ج) د مقدس کور په زیارت کولو سره، د اسلام د مقدس دین د پنځم رکن (حج) د فریضې په اداکولو بوخت دي. په مکه معظمه کې ټول حاجیان د نړۍ د نورو شتمنو مسلمانان په شان قرباني کوي او غوښې یې د لوی خدای (ج) پر مخلوق ویشي.

قرباني کول د حضرت ابراهیم (ع) له وخته د اسلام د لوړو او سپیڅلو ارزښتونو سره سم پر شتمنو مسلمانانو (نارینه او ښځینه) واجب شویده. لکه، چې یادونه وشوه، د نړۍ د نورو مسلمانانو په شان د افغانستان مسلمان او مجاهد ولس هم د لوی اختر ورځې د خپل دود او دستور سره سمې د پرتمینو او شاندارو مراسمو په جوړولو سره په ډیره خوشحالۍ لمانځي، نوي کالي په تن کوي، د دوستانو کورونو ته ځي او د دې مبارکو ورځو د راسیدو له امله یو بل ته مبارکي ورکوي، شتمن خلك قرباني کوي او غوښې یې پر بې وزلو ګاونډیانو، خپلوانو او دوستانو ویشي.

که د قربانۍ کولو اسلامي فلسفي ته په پوره غور او ځیرتیا ژوره کتنه وشي، په دې کې د لوی خدای(ج) لوی حکمت نغښتی دی. په دې مانا، چې د قربانۍ په کولو سره له یوې خوا د لوی خدای (ج) امر او د حضرت ابراهیم طریقه پرځای کیږي، له بله پلوه، هغه شتمن کسان، چې قرباني کوي د قربانۍ د غوښو یوه برخه پر بې وزلو او محتاجو کورنیو ویشي.

لوستونکي، او ټول ګران هیوادوال په اوسنیو شپو ورځو کې خپل رنځیدلي او ځوریدلي هیواد وال ښه پیژني، د دې اړتیا نه لیدل کیږي، چې موږ خپلو هیوادوالو ته د خپلو هغو هیوادوالو ستونزې او مشکلات ورپه ګوته کړو چې د نورو مرستو ته اړ دي.

د یوه ټکي یادونه اړینه بریښي، د هیواد په پلازمینه د کابل په ښکلي او تاریخي ښارکې ډیرې کورنۍ شته، چې د بیلابیلو لاملونو له امله په ډیره بې وزلۍ او بیچارګۍ کې ستونزمنې شپې ورځې سباکوي، د یوې وچې ډوډۍ وسیله او واسطه هم نه لري، له دې امله له ټولو شتمنو هیوادوالو زموږ هیله او غوښتنه داده، چې اړو کسانو ته د مرستې لاس ور واوږد کړي د قربانۍ پر غوښو سربیره، هره څومره چې د چا له توان او قدرت پوره کیږي، له بې وزلو او اړو وطنوالو سره مرسته وکړي، ستاسو مرستې به له یوې خوا انشاءالله د لوی خدای (ج) د رضاء سبب شي او له بله پلوه به داړو او محتاجو کسانو دعا ترلاسه کړئ، لوی اختر مو مبارك او بختور شه!

شمع شب عید

عبدالأحد تارشی

عید شد نشترغم در رگ دل باز خلید
یوسف خواب زبیت الحزن دیده رمید
کودک اشک بخون ترشد ودرخاک تپید
طایر خنده زلب های تب آلوده پرید
زهرغم را جگر تشنهء ما بازچشید

شب عید است ونگر اشک گهرسای مرا
در دل تیرهء شب تابش دریای مرا
خالی از عید وخوشی غمزده دنیای مرا
پر زخوناب جگر دامن غم های مرا
سیل اندوه به دروازهء دل باز رسید

وای ازین عید که صدسال بعید از عید است
بسته دروازهء صبحش به رخ خورشید است
کشته ء خنجر شام سیهش ناهید است
مرده اندر افقش بارقهء امید است
این چنین عید غم انگیز دل آزار کی دید

من ودل دور تر از دیدهء گریان شب عید
محفل خویش نمودیم چراغان شب عید
مشعل خنده نهادیم به میدان شب عید
شمع امید نمودیم فروزان شب عید
مگر ای وای برآن صرصر اندوه وزید

عید اگر اشک یتیمی نکند پاک چه سود
مرهمی گرننهد برجگر چاک چه سود
زنگ غم را نبرد از دل غمناک چه سود
نفشاند ز رخ غمزده یی خاک چه سود
ای بسا دل که درین عید هم از درد تپید

تیره شامی بود وروز ندارد این عید
بجز از ناوک دلدوز ندارد این عید
تاب آه شرر افروز ندارد این عید
طاقت گریهء جانسوز ندارد این عید
زان نشد در وطن سوختگان هیچ پدید

پل خوشحالی اگر بست به دریای سرشک
به سلامت گذرد تا که زدنیای سرشک
نشود غرقه به طوفان شرزای سرشک
ننهد تحفهء عیدی همه درپای سرشک
پل زجا کنده شد ازحملهء طوفان شدید

عید بهروزی ما از چه نیامد از راه
ماه آن بهر چه نشکافت دل شام سیاه
از چه برهرلب خشکیده بود شعلهء آه
هفته وسال ومه و روز وشب وشام وپگاه
این چه شام است کزان صبح امیدی ند مید

بارغم برده به منزل نرسیدن تاکی
لاله ها کشتن ویک لاله نچیدن تاکی
حل مشکل زاجانب طلبیدن تاکی
سینهء همدگر از کینه دریدن تاکی
قامت پیر وجوان زین غم جانکاه خمید

لبیک اللهم لبیک ...

محمد اسحاق فایز

خبر شدم که دوستانی چند از همکارانم بـه زیـارت خانـه خـدا مـی رونـد. در دلـم شـوق دیـدار مسجد نبـوی و ایستادن در میدان عرفات گل کرد و به ناگهان این منظومه شکل گرفت:

اللهم لبیک!
پیمبرا، چقدر خسته ام زتنهایی
میان این همه آدم ، اسیر غم هایم
فرا بخوانم زود!
دلم به چنگ جدائی زخویش، می میرد
ومی هراسم سخت
که در دمادم پیرانه گی چنین باشم
زخویش بیگانه
به دست و پای" منِ " اندرونِ خویشم نیز
فتاده زولانه
پیمبرا تو از آن سبز آستان بزرگ
فرا بخوانم زود!
که در کشاکش این زنده گی، سیه اندود
بسی پریشانم
وسخت می ترسم
که از سیاهی بخت
به ناگهان زسر شانه های زخمی من
از این تهاجم اندوه،
درد آتشناک
به سوی عرش خداوند بر کشاند دود .
پیمبرا تو از آن بارگاه نور افشان
از آن خزینهٔ پر گنج آیت قرآن
بخوان، بخوانم زود
که سال ها ست غریوی بر آید از جانم
و آسمان نیایش ز سوز من شبها
چنان آینهٔ جان، اندرون تنم
سیاه و قیرینه است
پیمبرا تو از آن سر زمین پر ایمان
وزان طلوعگه فرزانه باوریهایت
بخوان، بخوانم زود
که سال هاست حتا از خودم جدا هستم
بخوان، بخوانم زود
که در عقوبت آین رنج مبتلا هستم
پیمبرا که تو که در تیره زار های تباه
بسان مهر جهانتاب روشنی گستر
و عشق عالم گیر
بساط تیره گی از خاک تیره بر چیدی
فرا بخوانم زود!
که در ظلا لت یک عمر کج روی هایم
امید من مرده است
فرابخوان که دلم در حصار خون و عذاب
بسان دامنهٔ سرخ سر زمین خودم
تباه و افسرده است
بخوان که نی نی چشمان انتظاری من
برای دیدن آن ماه روی گلدسته
به بال چشمک سوسوی اختران امید
ستاره مشمارد
بخوان که اقراءِ ارحام زآسمان خوشت
به روح من بارد
بخوان که بر در اشراق آسمانی تو
دو دیده گان به حیرت غریق من از شوق
نیاز می کارد
بخوان پیامبرا کارزوست در "عرفات"
چنان روز قیامت بپا بایستم باز
و در زمینگهِ آن آسمان پاک و شریف
دلم شده است که ایمان خویش تازه کنم -
بخوان پیامبرِ پاکِ آخرین، تو مرا
که بر زمین شکوهمند مکه گریه کنم
و در دمادم یک شامِ عشق رنگ و عزیز
طواف عشق بدورِ حرم بجا سازم
و دردمادم یک شام پاک دیگر نیز
فقط دوگانه ای از عشق
راستی
وامید
درون بارگهٔ سبز آسمانی تو
به آن یگانه کنم
بخوانم آی پیامبر که دیگر از اندوه
درون سینهٔ من می تپد دلی نومید
بخوانم آی پیامبر که دیگر از تسلیم
سرِ به شانهٔ من
سر خمیده از خجلت
و بر بلند نمودن دگر توانم نیست.
اگر که دست نگیریم وای پیغمبر
به رستخیز خدا نیز هم، امانم نیست.
بخوان بخوان تو مرا، وای، وای پیغمبر
که سرزنم به ره وعده گاه پاک "حرا"
که دل نهم به کف سنگ "باب ابراهیم "
و آب بر رخ دل از "صفا" و "مروه "زنم
بخوان، بخوان تو مرا، وای، وای پیغمبر
که در میان تمامی ذره های تنم
و در میان تمامی وسعت روحم
نیاز قربانیس
بخوان، بخوان تو مرا وای، وای پیغمبر
که مهرِ عمرمرا رفته بر لبِ بام است
و قرن هاست که هی می غریود این آواز
به هرکجای زمان
به هرکجای جهان :
که عمر در گذرو روزگار هم فانیست
بخوان بخوان تو مرا وای وای پیغمبر

کابل / ۱۶ قوس ۱۳۸۶

در سوگ حاجی جان آغا یکی از عیاران جوان که به تازگی درگذشته است

باز یک تقویم بی آدینه شد

عبدالشکور شریفی



شهید جان آغا از تبار عیاران وجوانمردان بود وتناور شاخ سبز ستبر در معیادگاه سخاوت.

مرگش را باور نمی کنم، که در گمنامی این سکوت رود باران صدایش را با آذرخش نتوان شست و در گهنامهٔ این سامان چونان فریادی را از طنین نتوان بازماند. واینک برای تو ای عزیز که صدایت درگام های این کوچه تکرار می شود می سرایم. تنها برای تو که یادت گرامی باد

دیده بگشای ای زمین ای مشتری
سوخت بر برج فتوت اختری
آه ای خور شید بال وپر مزن
ظلمت ما را از این پس درمزن
ای نسیم آهسته بگذر زین دیار
بعد از این ای ابر پاییزی مبار
ای صبا از مشک وعنبر دم مزن
سر به بالین گل وشبنم مزن
لب ببند ای زهره از سازوسرود
ارغنون بشکن، بسوزان چنگ وعود
به نشد یک داغ وشاد فلک
باز می باشد به رخم ما نمک
گوجه بی آینه شد دستان باغ
قصد خاموشی ندارد این چراغ
باز یک تقویم بی آدینه شد
شش جهت این شهر بی آیینه شد
مرجع رهبر عیاران شمال
مرشد وپیر عیاران شمال
مرجع ومیر عیاران شمال
رفت بر دلها بماند داغ ملال
سال ها درس عیاری خوانده بود
مکتب ایثار ومردی خوانده بود
او قلندر مشرب و درویش بود
حاتم طایی به عهد خویش بود
جان خود را وقف این اندیشه کرد
غنچهٔ یادش به دلها ریشه کرد
طایر آزادهٔ روح شهید
ارجعی گفت وبه بالا جا گزید
درمیان تندر وتوفان و آه
رگ رگم را ناله می گیرد فرا
از بلند بام دنیا تا نا کجا
اسوهٔ آزادگی بود و وفا
نخل پربار وبلند بیشه بود
برگ وبارش همت واندیشه بود
مثنوی با بانگ وفریاد حزین
داد برمن این هدایای وزین
" بشنو از نی چون حکایت می کند
ازجدایی ها شکایت می کند
کزنیستان تا مرا ببریده اند
وزنفیرم مرد وزن نالیده اند
سینه خواهم شرحه شرحه از فراق
تا بگویم شرح درد اشتیاق"
در دل تاریک این دشت ملال
دوش با من گفت درویش خیال
ای شریفی بار این درد بزرگ
وصف آن انسان والا وسترگ
از حصار وچهارچوب این مقال
خارج است ابعاد این رنج وملال

تداوم فقرو بیکاری درکشور وپیامدهای آن

محمدشریف شایق

فقروبیکاری درافغانستان دو پدیده یی است که عمر طولانی دراین کشور دارد. افغانستان از لحاظ جغرافیایی محدود به خشکه است و نسبت به کشورهایی که به دریا راه دارند، زمینه های کار برای باشندگان این کشور بسیار کم است. و تنها راهی که بسیاری از باشندگان این سرزمین در گذشته از طریق آن امرار حیات کرده اند، دامداری و زمینداری بوده است، که با اشغال افغانستان توسط ارتش شوروی و روی کار آمدن رژیم کمونیستی که با شدت گرفتن جنگ هاانجامید، بیشتراین زمینه ها ی کار برای مردم افغانستان محدود شد، زیرا بسیاری از کانال های آبرسانی که مردم ازطریق آن مزارع شان را آبیاری می کردند، تخریب گردید، وتمرکز جنگ بیشترینه در روستاها ، باشندگان روستا ها که اکثر به تربیهٔ گوسفند ودامداری مشغول بودند بیکارساخت، و رژیم کمونیستی درکشور با تکیه به کمک های خارجی که بیشتر از روسیه وارد افغانستان می شد توانسته بود، با پرداختن حقوق خوب تر وکوپون برای کارمندان درساحات تحت تصرف خود برای تداوم قدرتش_ زیرا مردم درآن زمان از آنها بیزار بودند_ تا اندازه یی بازار فقر را کم رنگ سازد. اما با سقوط این رژیم وروی کار شدن حکومت مجاهدین که آن هم دچار تنش هایی شد وسرانجام ظهور طالبان وبیدادهای این گروه همه چیز ازبین رفت. با روی کار آمدن ادارهٔ موقت که از حمایت جامعهٔ جهانی برخورداربود، توقعات مردم هرچه بیشتر بالا رفت، و پندار اصلی براین بود که افغانستان از بدبختی رهایی خواهد یافت البته این پندار را بیشتر شعار هایی قوت می بخشید که ازسوی نهاد های مدافع دولت و خود دولتمردان افغانستان عنوان می شد.اما متأسفانه بعد ازگذشتن شش سال، فقر و بیکاری بیشتر از هر زمانی دیگر گلوی باشندگان این کشور را می فشارد. دولت افغانستان دراین عرصه نتوانسته است کاری را انجام بدهد. درحال حاضر هزاران کارگر خارجی که عمدتا پاکستانی اند، درافغانستان به کار مشغولند وحتا بیشتر کارهای ساختمانی توسط این گونه افراد انجام می پذیرد. کارگران افغانستان با کشیدن صف های طولانی در چهار راه ها از صبح تا شام منتظر می مانند وشام نا گزیر دست خالی به خانه های شان برمی گردند. البته این تنها کارگران نیستند که از بیکاری رنج می برند، بلکه شماری زیاد از افرادی که از دانشگاه های افغانستان فارغ التحصیل می شوند نیز با توجه به وجود فساد اداری در دستگاه دولت وموانع دیگر بیکارمی مانند وبه قطار بیکاران می پیوندند. در روستا ها ومناطق دورافتاده بیکاری وفقر بیشتر از هر جایی دیگر بیداد می کند.از دامداری و زمینداری در روستا به دلایل فراوان خبری نیست. نبود در مانگاه های حیوانی، عدم دسترسی کشاوزان به تخم های اصلاح شده وکود کیمیاوی از مواردی است که دامداران و زمینداران نمی توانند به کار شان رونق بدهند. تنها راهی که باقی مانده توسل به زرع تریاک است که محصول آن یکی از بحران های اصلی امروز افغانستان را تشکیل می دهد. وتنهاگزینه یی است که شماری از مردم افغانستان به آن پناه برده اند.روی آوردن زارعان به زرع تریاک وافزایش آن از یک سو انتقادهای شدیدی را بر دولت افغانستان وارد کرده است واز سوی دیگر وجود مافیای مواد مخدر امنیت این کشور را به چالش کشیده است.

اما با توجه به مسایل مطرح شده تداوم فقر ونبود اشتغال با درآمد، برای مردم وافزایش بیکاری درکشورالبته درشرایطی که مخالفان

تداوم فقر وبیکاری درکشورپیامدهایی نا میمون زیاد را در قبال دارد. افزایش بیکاری، میان مردم و دولت فاصله ایجاد می کند، بیکاران برای به دست آوردن پول به صف شورشیان می پیوندند، به قاچاق مواد مخدر دست می زنند، اعتیاد به مواد مخدر افزایش می یابد،افراد بیکار دست به اعمالی خرابکارانه می زنند، ودر کل می توان گفت که وضعیت را به نا به سامانی می کشانند

مسلح دولت می توانند از میان این بیکاران برای تقویهٔ صفوف شان استفاده نمایند،چه نتایجی را درقبال خواهد داشت؟

به یقین می توان گفت تداوم فقر وبیکاری درکشورپیامدهایی نا میمون زیاد را در قبال دارد. افزایش بیکاری، میان مردم و دولت فاصله ایجاد می کند، بیکاران برای به دست آوردن پول به صف شورشیان می پیوندند، به قاچاق مواد مخدر دست می زنند، اعتیاد به مواد مخدر افزایش می یابد،افراد بیکار دست به اعمالی خرابکارانه می زنند، ودر کل می توان گفت که وضعیت را به نا به سامانی می کشانند.

بیکاری درحالی روبه افزایش است که وضع امنیتی درکشور هم چنان نگران کننده است وشورشیان مخالف دولت ازهر وسیله یی ممکن برای نا امن ساختن افغانستان تلاش می کنند. از این رو بیکاران ناراضی از نظام لقمه یی آماده اند که در اختیار شورشیان قرار می گیرند. درحال حاضر دیده می شود که هزاران نفر از شهروندان کشور در پشت دروازه های نمایندگی های سیاسی کشورهای همسایه برای دریافت ویزا درصف های طولانی ایستاد می شوند تا از بیکاری فرار کنند. البته این افراد بیشترکسانی اند که بعد از تحول سیاسی در کشورشان با علاقه مندی فراوان بازگشتند ولی دیدند که درافغانستان هیچ زمینه یی درآمدزا،

با روی کار آمدن ادارهٔ موقت که از حمایت جامعهٔ جهانی برخورداربود، توقعات مردم هرچه بیشتر بالا رفت، و پندار اصلی براین بود که افغانستان از بدبختی رهایی خواهد یافت البته این پندار را بیشتر شعار هایی قوت می بخشید که ازسوی نهاد های مدافع دولت و خود دولتمردان افغانستان عنوان می شد.اما متأسفانه بعد ازگذشتن شش سال، فقر و بیکاری بیشتر از هر زمانی دیگر گلوی باشندگان این کشور را می فشارد. دولت افغانستان دراین عرصه نتوانسته است کاری را انجام بدهد

وجود ندارد، ناچارند دوباره راه مهاجرت درپیش بگیرند.

راه حل چیست؟ و دولت افغانستان باید چه کارهایی را انجام بدهد که بتواند از بحران ناشی از بیکاری جلو گیری کند؟ به نظر نگارنده اقدامات ذیل می تواند از میزان بیکاران بکاهد:

اخراج کارگران خارجی

همین اکنون هزاران تن شهروند خارجی از کشورهای پاکستان وهند در افغانستان درحالی مشغول کارند که بیشتر شهروندان افغانستان از بیکاری رنج می برند، دولت افغانستان برای کاهش میزان بیکاران کشور لازم است کارگران خارجی را اخراج کند تا بتواند کارگران داخلی را از بیکاری نجات بدهد.

توجه به زراعت

فراهم آوری تسهیلات مانند تخم های بذری اصلاح شده، کود کیمیایی و تقویهٔ ادارات زراعتی در ولایات البته نیروی با اقتداری که بتواند دربرابر آفات طبیعی مبارزه کند، ودرمجموع رونق گرفتن زراعت درکشور می تواند هم از شمار بیکاران بکاهد وهم باعث کاهش قیمت ها شود.

ویکی دیگر از موارد توجه به زراعت بازسازی کانال های آبرسانی است. در بیشتری نقاط افغانستان زارعان از نبود آب شکایت دارند زیرا کانال های آبرسانی در زمان جنگ تخریب شده است، دولت می تواند با ساختن همچو کانال ها هم از بیکاری جلوگیری کند وهم حمایت مردم را جلب کند.

افزایش پروژه های بازسازی در محلات

افزایش پروژه های بازسازی در محلات دور دست و روستاها نیز می تواند هم بیکاری را کاهش بدهد وهم ضروریات اولیه مردم را مرفوع سازد. چنان که برنامهٔ همبستگی ملی همین اکنون جریان دارد اما از لحاظ کمیت بسیار کم است ونمی تواند بسیار مؤثر تمام شود، بنابراین افزایش همچو برنامه ها در کاهش بیکاری مؤثراست.

جلب جوانان به اردو و پلیس ملی

درحال حاضر هزاران جوان افغانستان از بیکاری وعدم اشتغال سالم رنج می برند، درصورتی که دولت برای منسوبان پلیس و اردوی ملی حقوق بالاتر بپردازد می تواند این جوانان بیکار را به صفوف اردو وپلیس ملی جلب کند که این کار نیز مفاد دو جانبه دارد.از یک سو جوانان از بیکاری نجات داده می شوند از سوی دیگر قدرت نیروهای امنیتی بالا می رود. ونهاد های امنیتی افغانستان توانایی آن را می یابند که بتوانند از تمامیت ارضی این کشور دفاع کنند.

ایجاد کارخانه های تولید در کشور

راه اندازی کارخانه های تولید وحمایت از سرمایه گذاران داخلی وخارجی می تواند از شمار بیکاران بکاهد. البته دولت افغانستان سیاست حمایت از سرمایه گذاران داخلی را شعار خود ساخته است اما سرمایه گذران وتولیدکنندگان از عدم حمایت دولت شاکی اند، زیرا ورود کالا های خارجی به بازار توانسته است، تولیدات داخلی را به شکست مواجه سازد. تولید کنندگان داخلی بار ها از دولت افغانستان خواسته اند که برای وارد کنندگان کالاهای خارجی محصول بالاتر وضع کند و برعکس برای تولید کنندگان داخلی سهولت به میان آید ومحصول گمرکی مواد خام شان کاهش داده شود. تا تولیدات داخلی بتواند وارد بازارشود و با کالاهای خارجی رقابت کند. اما متأسفانه که تا کنون دولت افغانستان دراین عرصه کاری که بتواند توقع تولید کنندگان داخلی را فراهم کند انجام نداده است. واین امر سبب دلسردی سرمایه گذاران داخلی نیز شده است.

کارخانه های تولید درافغانستان از سرچشمه های فراهم کننده کار برای کارگران است،به همین منظور لازم است دولت افغانستان به آن توجه جدی نماید.

عید مظهر پیوند عمیق و نا گسستنی ...

بلی نوجوانی که از میان آتش استبداد نمرود قامت برافراشت وبا ارادهٔ آهنین بساط بتان گمراهی وضلالت را درهم شکست، وبا تفکر عمیق وسازنده در سرا پردهٔ هستی درپی کشف اسرار جهان شد. وبا منطق رسا گام در مسیر هدایت گمراهان گذاشت، وبا قبول بزرگترین قربانی ها وصبر وتحمل هاآغازگرصفحه یی جدید درتاریخ انسان گردید.

وبعد از تعمیر کعبه به فرمان الهی **(واذن فی الناس بالحج یأتوک رجالاوعلی کل ضامریأ تین من کل فج عمیق)** پیام حق تعالی را به گوش دلها رسانید، وبه برکت فریاد بیدار گر او از جوار کعبه از آن روز تا کنون والی ماشاء الله و الی أن یرثا الله الأرض ومن علیها همه ساله مشتاقان توحید گروه گروه با شور وشوق به طواف کعبه ابراهیمی می شتابند.

ودرهمین لحظاتی که در روزگار ما مسلمانان درهمهٔ نقاط جهان عید قربان را تجلیل می نمایند، صدها هزار از حجاج بیت الحرام لبیک گویان به اطراف خانهٔ خدا طواف می کنند ودرمنی ومذبح به انجام شعایر حج مشغولند.

دراین روزگار بزرگ مسلمانان جهان با شعایر بیدار گر تلبیه وتکبیر به ادای نماز عید پرداخته و آنانی که از لحاظ مالی قادر به انجام قربانی اند به تأسی از سنت ابراهیمی قربانی می کنند، وبه دیدار یاران ودوستان خود می روند ودرمراسم خوشی وسرور شرکت می کنند، ناگفته نماند که انجام عبادت همراه با بهره مندی از زینتهای زندگی از خصوصیت های بارز وبرجسته دین وفرهنگ اسلامی است، ودرمیان پیروان ادیان دیگر این ویژگی دیده نمی شود.

چه پیروان ادیان دیگر هنگام انجام مراسم دینی غرق در تجرد وفرار از امورمادی بوده با دنیا وزیبا یی هایش یک سره وداع می کنند.چنان که این حقیقت را در سیمای زندگی راهبان وتاجبان ملاحظه می کنیم، وچون مشغول به امور زندگی ودنیا داری شدند دین ومعنویت را کنار می گذارند. جدایی دین از سیاست، و دوری تشکیلات دینی از بقیهٔ تشکیلات دولتی همه بیانگر این مدعاست. اما اسلام دین ودنیا، مادیت ومعنویت را مکمل یکدیگر وضرورت اجتناب نا پذیر زندگی انسان می داند.

هموطنان عزیز!

عید قربان را امسال در شرایطی استقبال وتجلیل می نمائیم که جنگ های ویرانگر هنوز از ملت مظلوم ما ظالمانه قربانی می گیرد، تحت هر نام وعنوانی که جنگ ها شعله ور می گردد، ملت ماست که درآتش آن می سوزد.

مسؤولان نظام با وجود امکانات های گستردهٔ جامعهٔ جهانی در ادای رسالت خویش ناکام ونا توانند. اوضاع ایجاب دگرگونی هایی عمده را می نماید وتا زمانی که در نظام وعملکرد ها تغییرات بنیادی رونما نگردد، همکاری های جهانی مثل گذشته بی اثر خواهد ماند.

وچه به حق فرموده است خداوند تبارک وتعالی در قرآن کریم **(إن الله لایغیرما بقوم حتی یغیرو-اما باونفسهم)**.

بلی تا زمانی که تغییرات واصلاحات را در خود ایجاد ننمایم، نمی توانیم منتظربهترشدن اوضاع واحوال خود باشیم.

امید وارم با استفاده از فضای معنوی عید قربان کدورتها را کناربگذاریم ودست به دست همدیگربدهیم، ودر راه ثبات واستقراراواصلاح اوضاع نا به سامان کشور خویش سعی ومجاهدت کنیم.

قطعنامهٔ همایش بزرگ "راهکارهای صلح و تأمین امنیت" در هرات

در حال حاضر که کشورما برای روند ممتدی از وقایع و حوادث دچار بحران گستردهٔ اجتماعی و سیاسی و امنیتی گردیده است و بیم آن می رود که این موج یک بار دیگر کشور را به سراشیب خطرناک هرج و مرج، بی ثباتی و ویرانی و جنگ داخلی کشانیده تمام امیدهای سبز ملت را که به فصل کنونی به عنوان فصل شکوفایی و سازندگی می نگریستند برباد دهد. طبیعی است که در قبال این روند نیاز مبرم به احساس مسؤولیت همگانی وجود داشته به ویژه مبارزان صدیق و راستین راه عزت و آزادی نمی توانند نظاره گر بی تفاوت این فتنه های ویران گر باشند. ناکارآمدی و انفعال مدیران مسؤول کشور در اجرای اداره و انسجام امور سبب شده روز تا روز به رغم همه امکانات عظیم فراهم آمده نه فقط چالش های دیروز مهار نشود بلکه ترفندها و تهاجم های جدیدی در پوشش ترویج فرهنگ فساد، فحشا و اهانت به مقدسات دینی مردم سازمان یافته، و ارزش های عظیم این ملت به بازی گرفته شود لذا: جمعیت اسلامی افغانستان به عنوان نهضت اسلامی آزادی بخش مردم افغانستان که در مقاطع مختلف و برهه های حساس تاریخی ملت خویش را به سوی افق هایی رهبری نموده است بر آن است تا با درک رسالت خطیر خود در این مقطع حساس ملت بزرگ خویش را در راستای گذر از بحران کنونی یاری رساند، بدین منظور اعلام می داریم:

۱- عامل اساسی بحران کنونی، بی مبالاتی دستگاه های مسؤول به امر تطبیق شریعت و ارزش های اسلامی در کشور و بیرون راندن دلسوزان واقعی مردم یعنی مجاهدین از صحنهٔ سرنوشت است. دولت جمهوری اسلامی افغانستان باید ارزش های قانون اساسی کشور را در جهت حاکمیت اسلامی بر تمام بدنهٔ نظام سیاسی، فرهنگی و ارزشی کشور هرچه بیشتر استقرار بخشد.

۲- وفاق ملی در سایهٔ توجه و اهتمام به مطالبات همه نیروهای مطرح جامعهٔ افغانستان از جمله مخالفان نظام میسر خواهد بود. دولت مؤظف است از راه های اصولی و از جمله مشاوره با نمایندگان مردم در پارلمان و شوراهای ولایتی طرح جامعی را برای تحکیم وفاق ملی آماده نموده و آن را از تصویب مجالس ملی بگذراند و جامهٔ عمل بپوشاند.

۳- فرهنگ دینی و ملی کشور که هم اکنون در چنبرهٔ تهاجم وسیع فرهنگی و ماهواره یی قرار دارد باید از پس پردهٔ حجاب های شیطانی بیرون آورده شده و کانال های فساد و ابتذال و فحشا از میان برداشته شود.

۴- شوراهای سرتاسری اخوت اسلامی با شرکت تمام نمایندگان اقوام، احزاب سیاسی، نهادهای جامعهٔ مدنی برگزار گردد و بحران کنونی کشور و راه های برون رفت از آن را در اجندای خویش قرار دهد و دولت مؤظف به اجرای تصامیم آن باشد.

۵- فساد اداری که منجر به غارت وسیع منابع مالی و عایداتی کشور و کمک های خارجی گردیده یکی از علل اساسی نا امنی ها و بحران اعتماد در کشور است. دولت باید از این بیشتر به هیولای فساد که تا عمق جان نظام اداری ریشه دوانیده است میدان ندهد.

۶- بسیاری از اراکین کنونی دولت به شمول بخشی بزرگ از وزرای محترم کابینه در عمل نشان داده اند که از ادارهٔ امور در بخش های سیاسی و فرهنگی، اقتصادی و امنیتی عاجز و ناتوانند. نه شناخت کافی از دردهای ملت خود دارند، نه هم از ظرفیت لازم تخصصی و تجربی در این زمینه ها برخوردارند. دولت باید با در نظر داشت واقعیت های جامعهٔ افغانستان کسانی را به مناصب کلیدی ادارهٔ کشور در بخش های مختلف بگمارد که در سی سال اخیر از نزدیک با مردم خویش همراه و همگام زندگی کرده و برای درد و رنج مردم خویش تپیده اند یقیناً تحول و اصلاح در این زمینه نیز می تواند در فروکش نمودن تنش های امنیتی نقش سازندهٔ خود را داشته باشد.

۷- حضور نیروهای خارجی در کشور باید تحت ادارهٔ ملی قاعده مند و منضبط گردد، کشورهای خارجی حاکمیت ملی کشورما را به طور واقعی نه شعاری به رسمیت بشناسد و از دست زدن به مقدرات مردم در عرصه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که یکی از اساسی ترین عوامل نا امنی های کشور است اجتناب نمایند.

۸- پروسه های ناکام و بحران آور که مجاهدین را به جبر و اکراه از سنگر مسؤولیت های خود طرد کرده است الغاء گردد و مجاهدین دوباره در ادارهٔ کشور سهیم شوند زیرا تجربهٔ چند سالهٔ اخیر نشان داده است که اردو و پلیس ملی با ترکیب و ساختار کنونی خود قادر بر غلبه بر بحران امنیتی کشور نمی باشند.

۹- خانوادهٔ شهدا و فرزندان شهیدان که یادگار زندهٔ رشادت این ملتند مورد تقدیر و تجلیل قرار گیرند و اگر در اندیشهٔ آنیم که فردای استقلال و عزت ما تضمین شود باید قدر آنان را بشناسیم.

۱۰- جمعیت اسلامی افغانستان همچنان در عرصهٔ مسؤولیت و رسالت تاریخی خود گام گذاشته و اعلام می دارد با حفظ حرمت نهادهای انتخابی کشور و با پشتیبانی عام و تام از انفاذ قانون اساسی. مسیر اصلاحی خود را در جهت اصلاح نظام ادامه خواهد داد.

راهکارهای صلح درافغانستان ...

خواهران وبرادران عزیز! درمورد اهمیت صلح وتأمین امنیت از نظر



مجاهدین وبه خصوص جمعیت اسلامی افغانستان باید گفت که ما همیشه خواهان صلح وتأمین امنیت بوده ایم ودراین راه کار ومبارزه کرده وقربانی ها داده ایم.

درآغاز مبارزات سیاسی، جمعیت اسلامی به حیث یک جریان فکری وسیاسی در دوران سلطنت به مبارزه سیاسی وفرهنگی می پرداخت وهرگاه دشمنان اسلام وافغانستان با رأی مردم واز طریق انتخابات به قدرت می رسیدند؛ آنگاه بر ما بود تا با مبارزه سیاسی وروشنگری اذهان مردم سعی درتغییراذهان نماییم ودر انتخابات دیگر با رأی مردم قدرت وحاکمیت را از مخالفان خود به دست آوریم ولی چنین نشد وگروه هایی از طریق کودتا وبا زورتوپ وتانک قدرت سیاسی را غصب نمودند واذهمان آغاز به دستگیری، شکنجه وکشتار مخالفین خویش پرداختند وجمعیت اسلامی چاره یی جز قیام مسلحانه در برابر کودتاچیان ۷ثور نداشت وجهاد بر ضد ملحدین ومتجاوزین خارجی یک فریضه بود ومردم افغانستان با جهاد مسلحانه ازدین، عقیده وناموس واستقلال کشور خود دفاع کردند.

مجاهدین به خاطر صلح وتأمین امنیت، حتا قبل از پیروزی جهاد، عفو عمومی را اعلان نمودند تا در فردای پیروزی جهاد از قتل وخونریزی جلوگیری شده باشد.

جمعیت اسلامی افغانستان با وجودی که توان آن را داشت که به تنهایی قدرت را به دست بگیرد اما اجازه داد که همه مجاهدین به اتفاق هم یک حکومت را تشکیل بدهند همان بود که حکومت ائتلافی مجاهدین طی معاهدهٔ پیشاورتشکیل گردید که همه رهبران جهاد به شمول نمایندهٔ آقای حکمتیاردرپای آن معاهده امضاء کردند.

در دولت اسلامی نیز رهبری دولت ورئیس جمهور وقت (جناب استاد ربانی) در جلسات جلال آباد شرکت کرد حتی نزد آقای حکمتیار به بگرامی رفت وآمادگی خویش را برای رفتن نزد ملاعمر به کندهار اعلام داشت وهمچنان شهید احمدشاه مسعود نزد طالبان به میدان شهر رفت تا از جنگ وخون ریزی درکابل جلوگیری شود. به همین صورت در تاشکند وعشق آباد نیز مذاکرات میان دولت اسلامی و طالبان صورت گرفت تا جلو ادامهٔ جنگ گرفته شود.

این ها همه نشانه هایی از انعطاف وتنازل جمعیت اسلامی بوده است.

در مذاکرات بن با وجود ایراداتی که داشتیم شرکت کردیم با این که جمعیت به این نظربودکه فیصله های مربوط به سرنوشت کشورباید در داخل کشور صورت می گرفت وزمینه برای آن آماده بود. درلویه جرگه های اضطراری وقانون اساسی و دو انتخابات ریاست جمهور وپارلمانی نه تنها شرکت کردیم بلکه در زمینه سازی برای آن سهم گرفتیم زیرا نا ممکن بود که بدون سهم وهمکاری مجاهدین لویه جرگه ها دایر وانتخابات برگزار شود.

ولی متأسفانه که با این همه خدمات وایثار در برابر مجاهدین جفا وحق تلفی شد.

مجاهدین که قهرمانان صحنه های نبرد حق وباطل وآزادی واستقلال کشورخود هستند ویک کشور فروخته شده واسیر را از حلقوم بزرگترین قدرت استعماری دنیا(شوروی وقت) بیرون کشیدند، به آن آزادی، عزت وافتخار بخشیدند ولی امروز به نام جنگ سالاریاد می شوند اکثر مجاهدین از اردو ، پلیس وادارات دولتی کنار زده شده اند.

زمانی که ما از حقوق مجاهدین صحبت می کنیم، این هرگز به معنای امتیاز طلبی نیست بلکه صرف نظر،از افتخارات وجان نثاری ها و جهاد آنان، به حیث افراد واتباع این کشور حق دارند که در ادارات کشور از استعداد وتوان وشایستگی شان استفاده به عمل آید. ما تنها درجمعیت اسلامی در هر رشته صدها شخص داریم و در بخش نظامی هر گاه یک ژنرالی که از معتبرترین پوهنتون های دنیا شهادت نامه های داشته باشد ولی هرگز دریک جنگ شرکت نکرده وحتی یک پوسته دشمن را فتح نکرده باشد، پس تخصص او در چیست؟ ولی مجاهدین وفرماندهان بزرگ ما که حماسه ها آفریدند، درواقع متخصصین واقعی نظامی هستند.

درمورد صلح ومذاکرات آن نظر ما این است که دولت باید به صراحت موضع خود را اعلان نماید ومردم حق دارند که اطلاع داشته باشند_ قانون اساسی این حق را به مردم می دهد_ مذاکرات صلح باید شفاف وروشن باشد.

دولت باید با نیروهای خارجی هماهنگی داشته باشد وباید از بمباران خانه های مردم اجتناب شود.

حکومت اگر توان هماهنگی با نیروهای خارجی را ندارد، حد اقل می تواند که از کشمکش با پارلمان احتراز نماید!

موضوع مهم دیگر کار تشکیلاتی وسازماندهی مجدد جمعیت اسلامی افغانستان است که ما کار آن را آغاز کرده ایم وان شاء الله درآیندهٔ نزدیک کنگره یا مجمع عمومی جمعیت دایر خواهد گردید. دراین مجمع از همه ولایات وهمه ولسوالی ها نمایندگانی حضور خواهند داشت و تا درترکیب آن همه اقوام و اقشار مختلف جامعه در نظر گرفته خواهد شد علما، قوماندان، بزرگان، استادان، جوانان، وخواهران ما به حیث یک حزب سیاسی در مطابقت با احکام قانون اساسی وقانون احزاب سیاسی کشورفعالیت نماییم وبراین بنیاد تشکیلات جدید خود را مطابق اساسنامه بنا خواهیم نهاد. درکنگرهٔ جمعیت اساسنامه به تصویب خواهد رسید، رهبر جمعیت شوری های عالی واجرایی ومسؤولان ارگان های آن انتخاب خواهند شد.

ما یکبار دیگر آمادگی خود را برای سهم گیری در مذاکرات صلح اعلان می داریم وآرزو داریم که هر چه زود تر صلح وامنیت درکشور زجرکشیدهٔ ما بر قرار گردد.

والسلام وعلیکم ورحمة الله

احکام و مسائل قربانی



تضحیه و ریختن خون حیوان مخصوص که گاو، شتر و گوسفند می باشد واجب است و دلیل وجوب آن این حدیث است: کسی که توانایی قربان یداشته باشد و قربانی نکند به مصلای ما نزدیک نشود.

دلیل وجوب قربانی از دیدگاه عقل و قیاس ثابت می شود به این که چون این روز را عید قربان می گویند و معلوم است که امر عمده در این روز قربانی است، و نه به این نام نامیده نمی شد. و حدیث مذکور نه تنها بیانگر وجوب قربانی است بلکه بیان وقت ادای آن را که بعد از نماز عید باید انجام شود نیز روشن می سازد.

البته در جایی که نماز عید خوانده نمی شود و از شهر و مواضع عیدگاه بیش از یک فرسخ فاصله باشد، قربانی بعد از نماز صبح جواز دارد؛ یک فرسخ برابر با ۵۵۴۴ متر می باشد همچنین مواظبت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بر انجام قربانی هم دلیل وجوب است.

شرایط قربانی

قربانی بر مستطیع واجب است و مستطیع عبارت از مسلمانی است که دارای ۸۵ گرام طلا یا معادل آن پول نقد و یا ۵۹۰ گرام نقره باشد و یا متاع و چیزی داشته باشد که با قیمت وزن طلا و نقرۀ مذکور برابر شود. مسکن، لباس، اثاث البیت و لوازم اولیۀ کسب از این حوزه خارج است و قربانی ندارد.

کسی زمینی دارد که مصرف سالیانه اش را از آن برداشت می کند و قیمت آن نیز به حد نصاب می رسد قربانی بر وی واجب است. کسی که چهار دست لباس داردو دست چهارمش به نصاب مذکور برسد قربانی بر وی لازم می گردد. دارندۀ سه دست لباس قربانی ندارد، زیرا این لباس ها برای خانه، محل کار، مجالس عروسی وغیره اوست و زن ها علاوه از طلا و لباس چهارم به مهر معجل و نقد مستطیع گفته می شوند و به مهری که مؤجل است و حین طلاق یا موت گرفته می شود، غنی گفته نمی شوند.

اگر شخصی مبلغی به عنوان مضاربت به دست کسی دارد که به حد نصاب می رسد، قربانی بر وی لازم است، گرچه مضارب غیاب باشد. اگر مبلغی نزد شریک خود دارد و یا متاع خانه اش به اندازه یی است که بیش از مقدار ضرورت بوده و به نصاب هم می رسد، قربانی بر وی لازم است. مثلاً شخصی چند عدد قالی دارد که به خانه اش هموار نیست و ضرورت به هموار کردن آن را نیز ندارد، بدون شک قیمت آن به حد نصاب می رسد و قربانی بر وی واجب است.

دکاندار به آنچه در دکان جهت فروش دارد، مستطیع گفته می شود و قربانی بر وی واجب است. همچنین دارندۀ کتاب های طب، نجوم و ادب که قیمت آن ها به حد نصاب رسد مستطیع است.

مجاهد و غازی با داشتن سه راس اسب غنی گفته می شود، چنانچه به داشتن دو قبضه از هر نوع سلاح، غنی است.

زنی که منزل مسکونی دارد و همراه همسرش در آن زندگی می کند و همسرش فقیر است و منزل مسکونی ندارد و هم قدرت گرفتن خانۀ استیجاری را ندارد، بر این زن قربانی واجب نیست.

شخصی از کسی قرضش را می خواهد لیکن طرفش مفلس است و توان ادای قرض را ندارد، این شخص تا وقتی که مبلغ خود را به دست نیاورد فقیر گفته می شود و هر وقت مفلس مبلغ را داد، آن وقت غنی گفته می شود.

مسلمانی از شخصی ثروتمند که اقرار به قرض دارد، مبلغ نصاب را قرض می خواهد لیکن خودش قیمت گوسفند یا هفتم حصۀ گاو و یا شتر را ندارد، این شخص قرض خود را طلبیده و قربانی کند و طلبش هم در صورتی است که مطمئن باشد در صورت خواهش، طرف قرضش را می دهد.

سایر شرایط قربانی

قربانی بر شخص مستطیع آزاد، مقیم و بالغ واجب است.

بلی! بر حجاج مسافر قربانی لازم نیست. کسانی که از ساکنین اصلی مکۀ مکرمه می باشند، از مسافرین محسوب نمی شوند و قربانی بر ایشان واجب است و این ها حاجی مفردند و هدیه برای شان لازم نیست. اما برخی تمتع و قران، هدیه به علت جمع بین عمره و حج در یک سفر و شکر این نعمت واجب است و این قربانی نیست چون اقامت شرط قربانی می باشد و مسألۀ حج به طور مثال بود ورنه همۀ سفرهای امت مسلمه این حکم را دارد.

اگر دو روز سوم عید که آخر وقت است شخصی مسافر باشد قربانی از وی ساقط و اگر مقیم باشد واجب است و چنانچه در آخرت وقت غنی و یا فقیر است که وجوب و عدم آن هم به آخر وقت منوط است. قربانی از جایی طفل صغیر شخص واجب نیست که از مال خود و یا مال طفل قربانی نماید.

شرایط صحت قربانی

حیوانی که برای قربانی در نظر گرفته می شود باید از همۀ عیوب سالم باشد یعنی کور، لنگ، گوش بریده، دنبه بریده و بدون دندان باشد؛ اگر یکی از این موارد در حیوان وجود داشت، قربانی آن صحت ندارد.

اگر اکثر دندان های حیوان سالم و یا گوش هایش به طور طبیعی کوچک باشد، قربانی آن جواز دارد. اگر گوسفندی چاق است ولی چرب دارد، گرچه قربانی آن صحت دارد لیکن از کراهیت خالی نیست. اگر حین ذبح کارد به وجود حیوان اصابت کرد و آن را کاملاً معیوب ساخت، این عمل مانع قربانی نبوده و آن حیوان برای قربانی صحیح است.

وقت قربانی

وقت قربانی بعد از نماز عید و خطبه می باشد و تا وقتی که نماز خوانده نشود (به روایت ارجح) قربانی صورت نگیرد و بعد از ادای نماز عید قربانی صحت دارد.

اگر قربانی کننده در دهکده ها و به فاصلۀ زیادتر از یک فرسخ یعنی ۵۵۴۴ متر دور تر از شهر زندگی می کند، بعد از طلوع صبح صادق قربانی کند صحیح است.

آخر وقت قربانی روز سوم عید است، دلیل آن حدیث مؤطا امام مالک "رح" است که وقت قربانی را روز عید و دو روز بعد آن می داند.

معتبر مکان قربانی است، اگر قربانی کننده در شهر و گوسفند قربانی اش به دهکده باشد، قبل از نماز عید هم ذبح آن صحیح است و اگر شخص به قریه ها بود و در آنجا نماز عید خوانده نمی شد و گوسفندش در شهر بود، تا نماز عید خوانده نشود قربانی مجاز نیست.

ذبح و کشتن قربانی در شب دوم و سوم عید مکروه است. اگر تضحیه و کشتن گوسفند و یا دیگر حیوانی که قربانی آن جواز دارد تا روز سوم انجام نیافت، آن را صدقه کند و اگر حیوانی را به خاطر تضحیه نخریده بود و سه روز گذشت، قیمت آن را صدقه دهد و اگر فقیری گوسفندی را جهت را اضحیه خرید، ذبح آن واجب است زیرا خرید آن جهت قربانی بر آن نذر شده است حتی که حق بیع آن را ندارد و آن را باید ذبح کند و اگر هلاک شد خریدن گوسفند دیگری بر وی لازم و واجب نیست.

حیوانات مخصوص قربانی

اتفاق نظر همۀ دانشمندان اسلامی بر این است که گاو، گاومیش، شتر و گوسفند مخصوص قربانی می باشند و انواع دیگر حیوانات از جملۀ گاوهای وحشی و آهو برای قربانی نیستند.

سن حیوانی که قربانی می شود

سن گوسفندی که قربانی می شود، اگر میشینه باشد بیشتر از ششماهه است و در صورت یکجا شدن با یک ساله ها از دور فهمیده نشود، صحت دارد ضعیف الجثه بود و از یک ساله ها کوچکتر معلوم می شد، صحت ندارد. گوسفند تا یک سال را تمام نکند و وارد سال دوم نشود، قربانی آن صحت ندارد.

گاو زمانی که دو سال تمام شود و شروع به سال سوم کند قربانی آن صحت دارد و از شتر زمانی که پنج سال را تمام نموده و سال ششم را شروع کرده باشد، قربانی آن صحت دارد.

تعیین سن برای این است که کمتر از سال تعیین شده نباشد، اگر بیشتر باشد جواز داشته و بهتر است. لذا بره، بزغاله، گوساله، جوجه شتر (جنگ) صحت ندارد.

اتفاق نظر فقهاست که بز و میش برای یک نفر جواز داشته و زیاده از یک نفر صحیح نیست. گاو، گاومیش و شتر از یک نفر تا هفت نفر جواز دارد و اگر کسی گاوی به خاطر قربانی خرید و حین خریدن نسبت اشتراک شش نفر دیگر را داشت و بعد از خریدن، دیگران شریک شدند، این قربانی بدون کراهت صحت دارد. اما اگر برای قربانی خود خرید و شخصی غنی بود بعداً شش نفر دیگر را شریک نمود، این هم صحیح می شود، اما از کراهت خالی نیست و بهتر است که پول شش سهم دیگر را صدقه کند.

مأخذ ها

فتاواي بزازيه، ص۶۰ و ۲۸۸
تنوير الأبصار و در المختار، رد المختار ص۵۹ و ۲۰۰
از زيلعي قاضي خان ص ۵۹ و ۱۸۶۵
تبيين الحقايق ص ۶-۱۹
البدايع الصنايع ص ۵ و ۷۸
تنوير الأبصار ص۲۱۱
مؤطا امام مالک "رح" ص۴۹۷
معجم المفهرس لألفاظ الحديث.
فقه الإسلامي و أدلته ص۲۷۱۹ – ۲۷۲۱

گوردون براون:

با طالبان مذاکره نمی کنیم

نخست وزیر بریتانیا، از برنامۀ جدید خود برای تماس با بدنۀ گروه طالبان به منظور جدایی آنها از رهبری شان سخن گفت.

گوردون براون که در جلسه پارلمان بریتانیا، استراتژی جدید خود در افغانستان را تشریح می کرد به نمایندگان پارلمان گفت: "ما در حال برنده شدن در نبرد علیه شورشیان در افغانستان هستیم".

آقای براون گفت بریتانیا و متحدانش در افغانستان، در حال منزوی کردن و ازبین بردن رهبری طالبان هستند.

او گفت نیروهای بریتانیایی به همراه دیگر سربازان ناتو و اردوی ملی افغانستان، شورشیان را از مخفیگاه های شان بیرون کشیده و مانع سازماندهی مجدد آنها شده اند.

آقای براون خاطرنشان کرد که قصد دارد به جای اعزام نیروی بیشتر به افغانستان، به دولت آن کشور کمک کند تا مسؤولیت بیشتری در قبال تامین امنیت و پیشرفت اقتصادی خود داشته باشد.

براون اخیراً از سفر به افغانستان به کشورش برگشته است، وی دراین سفر از مناطق جنگی موسی قلعه نیز دیدن نمود.

با پایان یافتن دومین سال کاری ...

او غیابت نمایندگان را "نقیصه بزرگی" در دومین سال کاری مجلس نمایندگان عنوان کرده افزود که نبودن ظرفیت کاری تا اندازه ای در پارلمان حل شده است.

پارلمان افغانستان در دومین سال کاری خود وارد بحث های جنجال بر انگیزی شد؛ از جمله موضوع سلب صلاحیت وزیر خارجه، روابط میان پارلمان و دولت را به تنش کشاند.

اوج تنش میان پارلمان و دولت تقاضای تعلیق وظایف وصلاحیتهای مقامات محلی ولایت بغلان از سوی پارلمان بود که در پی آن آقای قانونی در اعتراض به بی توجهی دولت به درخواست پارلمان مجلس را ترک کرد.

پارلمان مقامات محلی ولایت بغلان را در حادثه پانزدهم عقرب ولایت بغلان که براثر آن دهها تن، از جمله شش عضو پارلمان جان دادند متهم به سهل انگاری دانست.

رییس مجلس نمایندگان افغانستان، با آغاز تعطیلی های زمستانی مجلس در یک نشست خبری گفت که نمایندگان مجلس در تعطیلی زمستانی، که ۴۵ روز را در برمی گیرد، به محلات رفته و در مورد مشکلات مردم با آنها گفتگو خواهند کرد

برف کوچ در بدخشان ...

این افراد به خاطر نجات مالدارانی که در گذرگاه بام دره گیر مانده بودند، رفته بودند؛ اما پیش از رسیدن به آنان خودشان زیر برف کوچ گیر ماندند.

به گفته فرمانده پلیس بهارک، پنج تا شش هزار گوسفند در گذرگاه بام دره، زیر برف گیر کرده اند.

عبدالودود می گوید در منطقه بام دره، هوا به شدت سرد است و احتمال زنده ماندن افراد ناپدید شده کم است.

فرمانده پلیس بهارک مقامات ولایتی را به کوتاهی درنجات این افراد متهم کرده است.

به گفته او ماموران پلیس با همکاری مردم محل، با وسایل محدود، برای نجات قربانیان دست به کار شده اند.

وآنـان کـه در راه مـا بـا جـان ومـال جهادکردنـد محققـاً آنـان رابـه راه خـویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال ششم | شمارهٔ سی و یکم | شنبه ٢٤ قوس ١٣٨٦ | ٥ ذوالحجه ١٤٢٨ – | 15 December 2007

امریکا از عدم جدیت ناتو در افغانستان ناخشنود است



امریکا در صدد افزایش عملیات علیه شورشیان طالب در افغانستان بوده و خواهان جدیت بیشتر ناتو است. وزیر دفاع امریکا رابرت گیتس در سخنرانی که در کمیته قوای مسلح کنگرهٔ امریکا ایراد نمود، از عدم جدیت اعضای ناتو در زمینهٔ تقویت نیروهای این پیمان در افغانستان ابراز نارضایتی نمود. امریکا از اعضای ناتو خواسته است تا تجهیزات بیشتر به افغانستان بفرستند و سهم فعال تری در جنگ علیه طالبان بگیرند، اما برخی از اعضای ناتو مخصوصاً آلمان آمادهٔ اعزام نیروهای خویش به مناطق جنگی مانند هلمند و قندهار نیستند.

امریکا قصد دارد در پهلوی تقویت نیروهای ناتو، مدل عراق را در افغانستان نیز تطبیق نماید. امریکا در عراق قبایل را در برابر القاعده به کار گرفت و بر اثر میزان خشونت در آن کشور کاهش یافت. این تغییر استراتیژی امریکا در مبارزه علیه طالبان را اعلان نمود.

انگلیس متحد اصلی امریکا در جنگ افغانستان نیز، چنین موضع گیری را تأیید می نماید. گوردون براون نخست وزیر انگلیس که او نیز اخیراً از سفر افغانستان برگشت و از میدان جنگ در موسی قلعه بازدید نمود، چنین مطلبی را ذکر نموده است. وی در سخنرانی خویش در پارلمان گفت کشورش می خواهد میان بدنهٔ اصلی گروه طالبان و رهبران این گروه فاصله ایجاد نماید. وی گفته است این سیاست قبلاً نتیجه داده و حدود ۴۰۰۰ طالب سلاح خویش را به زمین گذاشته اند.

تشدید جنگ علیه طالبان آنچه که امریکا در صدد آن است، مخالفین زیادی درمیان هم پیمانان این کشور دارد. افکار عامه در اروپا در برابر تلفات عساکر و همچنان غیر نظامیان حساسیت بیشتری نشان داده، گروه های نیرومند ضدجنگ فعالیت دارند به این علت، حکومت های کشورهای اروپایی به محدودیت های زیادی در جهت افزایش عملیات نظامی در افغانستان روبرو می باشند. کشورهای اروپایی بیشتر تمایل به اشتراک در مساعدت های اقتصادی و تقویت اردو و پولیس افغانستان و اصلاح و افزایش کارآیی حکومت افغانستان دارند، چنانچه اخیراً جامعهٔ اروپایی یک کمک ۸۰۰ میلیون دلاری را به افغانستان اعلام نمود. اما امریکا در افزایش عملیات نظامی با چنین محدودیتی رو برو نیست و گروه های مخالف جنگ در افغانستان از مؤثریت چندانی برخوردار نمی باشند. اما امریکا جهت توسعهٔ عملیات نظامی نیازمند مشارکت فعال تر متحدان اروپایی خویش می باشد و این کشور به علت استقرار ۱۶۰ هزار نیرو در عراق قادر به افزایش بیشتر نیروهای خویش در افغانستان نیست. این مطلب را گیتس در سخنرانی خویش در کنگرهٔ امریکا تصریح نمود.

به مناسبت روز جهانی فساد اداری (روز نهم دسمبر)

دولت در چنبره فساد اداری

پوهندوی عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

این روز از سوی دفتر ملل متحد و ارگان های دولتی گرد همایی هایی درکابل وسایرولایات کشور صورت گرفت.

فساد اداری در کشورهایی بیشتر رشد می نماید که در آن کفایت کاری، توانایی لازم وظرفیت کافی برای مدیریت وجود نداشته باشد. یکی از مؤسسات بین المللی، طی یک سروی که در ۱۷۸ کشور انجام داده است،افغانستان را در فهرست ده کشوری قرارداده است که بیشترین فساد اداری ورشوه درآن ها وجود دارد.

موجودیت گسترده فساد اداری، از دید ناظران ملل متحد وکمیسیون اروپایی به دور نمانده است. طوری که سازمان ملل متحد درافغانستان، اصلاح در دولت افغانستان را یکی از اولویت های خویش طی سال آینده خوانده است که از طریق اصلاح دستگاه قضایی اصلاح پلیس مبارزه با فساداداری انجام خواهد شد.

اما اوج خشونت واستبداد به شیوهٔ جدید آن در حاکمیت وتغییر قدرت درسال ۱۳۵۷ هـ رنگ دیگری به خود گرفت وظرف سه دهه بدین سو مردم این کشور انواع استبداد، فساد اداری، نبود عدالت اجتماعی را تجربه کرده اند، این کشورانواع فساد اداری وبی حرمتی را به ممارست گرفته اند. نبود یک حکومت کارا، متعهد، نبود وکمبود قانون وضعف ارگان های عدلی وقضایی برعمق فساد ادارات دولتی می افزاید. حاکمیت جدید که ادامهٔ ادارهٔ مؤقت در افغانستان می باشد، درسه حوزه که شعار اساسی همایش بن در سال ۲۰۰۱ م بوده است، با شکست های توأم با نامیدی همراه می باشدکه این حوزه ها، شامل: مبارزه با القاعده وتروریزم، مبارزه با کشت،تولید وترافیک مواد مخدر مبارزه با ارتشا وفساد اداری است.

طوری که افغانستان در سال ۱۳۸۵هـ در حدود ۹۵ درصد کل مواد مخدر جهان را تولید کرده است درسال جاری نیز چنین ریکادی را قایم نموده است.

چندین عنصر اساسی باهم گره خورده است و کشور را در چنبره فساد اداری فروبرده است. سازمان توسعهٔ ملل متحد از دولت خواسته است، تا مبارزه با فساد اداری را شدت ببخشد. حکومت بارها از فساد در مقام های بالایی دولت شکایت نموده است. حتاگفته شده است که این دهشت افگنان و جنگ سالاران نیستند که که در نا توانی حکومت نقش دارند بلکه افراد متخصص وتکنوکرات، که صاحب گنج های باد آورده از کمک های جامعهٔ جهانی به افغانستان شده اند و، درفساد وناکامی پروژه های توسعه افغانستان نقش دارند.

آقای کرزی به مناسبت روز قربانیان نقض حقوق بشر، از نا توانی حکومت در مبارزه با نقض حقوق بشر وفساد گسترده اداری سخن گفت.

بسیاری از متخصصان وتکنوکرات ها متهم به فساد اداری می باشند واین اشخاص از سوی رئیس جمهور ویا وزیران حکومت در پست های کلیدی توظیف می باشند. مبارزه با فساد وارتشا یکی از چالش های جدی در برابر پیشرفت وترقی کشور است درحالی که حکومت آقای کرزی در نخستین روز های ادارهٔ مؤقت تعهد به مبارزه با فساد اداری را برای مردم افغانستان داده بود . ومبارزه با فساد اداری از اولویت ها واز شعارها ی اصلی در تبلغات انتخاباتی ریاست جمهوری وشورای ملی بوده است. طوری که دیده می شود ظرف شش سال گذشته درمقابل این پدیده شوم مبارزه جدی صورت نگرفته است.

دولت در راه مبارزه با فساد فقط به تشکیل چند کمیسیون بسنده کرده است وازاین کمیسیون های تشریفاتی نتیجهٔ محسوسی به دست نیامده است.به همین گونه ریاست مبارزه با ارتشا وفساد اداری کمتر توانسته است جلو ارتشا وفساد را بگیرد. در دومین گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در مورد افغانستان که در اواخر ماه عقرب انتشار یافت به وجود فساد اداری تأکیدشده است. به همین گونه برنامه توسعهٔ ملی سازمان ملل برای افغانستان اعلان داشته است که این کشوربا چالش های فراوانی در عرصه حاکمیت قانون رو به رو ست ومردم از وضع نا مناسب بهداشتی فقر مزمن وعدالت اجتماعی رنج می برند. مؤسسات غیردولتی نیز بار ها از وجود فساد اداری رشوه درکشور خبرداده است. طوری که مؤسسهٔ اکسفام در گزارش اخیر خویش هشدارداده است که بیشترین بخش کمک های جامعهٔ جهانی به افغانستان در چند سال اخیر حیف ومیل گردیده است. که بیشترین هزینه های کمک شده به مردم افغانستان صرف معاش مشاوران خارجی وبرنامه های غیر ضروری آنها گردیده وبرنامهٔ توسعه ملی با کندی رو به رو بوده است.

هرچند دولت دریک نا توانی ودریک ضعف مدیریت قرار دارد نا گزیر راه های بازگشت به ثبات درکشور باید جستجو گردد.این بازگشت بدون فقر زدایی و مبارزه با فساد اداری غیر ممکن می باشد، تداوم این وضع زمینهٔ بی اعتمادی را درکشور گسترش می بخشد. درغیرآن فاصله میان مردم ودولت بیشتر خواهد گردید. دریک چنین جویّ سیاسی مردم حاضرنیستند با دولت همکاری نمایند ودرصورت عدم همکاری مردم با دولت، دولت قادر نیست برنامه های خود را درمیان مردم عملی سازد. اگرفساد اداری از میان برداشته نشود، مشروعیت دولت نه تنها زیرسؤال خواهد رفت، بلکه زمینه های اجتماعی تطبیق قانون به ناکامی مواجه خواهد گردید.

دولت باید د خوراکي شیانو نرخونه کنترول کړي

محمد قدوس

د ژمي لـه را رسیدو سره سم د سونګ موادو تر څنګ د خوراکي شیانو لکه اوړو، غوړیو، چای، بوري او نورو بیې او نرخونه، له یوې میاشتې په لږه موده کې څو برابره لوړ شوي او د هرې ورځې په تیریدو په چټکۍ سره لوړیږي. له دې امله د دې خوریدلي ملت. په ځانګړې ډول د کابل له هغو درنو ښاریانو سره، چې میاشتینۍ تنخایې له نرخونو سره سمون نه لري، دا ویره ده، چې څنګه به وکولی شي، خپل اولادونه له یخنۍ او لوږې په آمن وساتي.

هو! که د سالم عقل او منطق له مخې دې ته ځوره، له مسوولیته ډکه پر تلیزه پاملرنه وشي، په رښتیا هم، چې د ملت او په ځانګړې ډول د کابل بې شمېره ښاریانو، چې ډیری یې د دولت مامورین او کارکوونکي دي، د ژوندي پاتې کیدو له پاره د ضروري خوراکي شیانو د نرخونو او د دوی د میاشتینۍ تنخا او عایدو تر منځ اوږدو اټن پروت دی، دې تکي د ښار ډیرې اوسیدوونکي اندیښمن او په ویره کې اچولي دي. د یادونې وړ ده، اوس مهال د دولت دیوه مامور میاشتینۍ تنخا د یوې بوجۍ (بورۍ) اوړو له قمیت او بیې سره سمون لري.

د حیرانۍ او تعجب خبره داده، چې د نرخونو د بې ساری لوړیدو په وړاندې د لوړ پوړو دولتي چارواکو بې مسوولیته غبرګون، د دې رنځیدلي او ځوریدلي ملت اندیښنې په نا هیلو اړولې دي. د ځینو لوړ پوړو دولتي چارواکو د څرګندونو له مخې، دولت په پام کې لري، چې د دې ستري ستونزې د هوارولو په موخه له پاکستاني چارواکو سره جرګې مرکې وکړي.

او له هغوي وغواړي، چې زموږ هیواد ته د خوراکي شیانو د رالیږدولو مخه و نه نیسي او لارې پرانیستي پریږدي، که کومې پایلې او نتیجې ته ونه رسیدل، بیا به له نورو هیوادو څخه د خوراکي شیانو، خصوصا غنمو د رانیولو او واردولو لارې چارې ولټوي. لکه، چې وایي: «مور د وږې له حاله څه خبر دی».

په داسې شرایطو کې چې بېلا بېلو ناخوالو، د نرخونو او تنخاګانو توپیر او نا انډولتوب، له منځه وړي، او چاره یې د ملت تر ستوني رسولې ده، خو د مسوولینو له څرګندولو ښکاري، چې د دې لویې ستونزې په وړاندې د دوی اندیښنې ډیرې کمزورې او پخې دي. د پام وړده، چې د برګنو هیله او غوښتنه داده، چې چارواکي باید د دې سترې ستونزې د هوارولو په موخه چټک ګړندي او ټینګ ګامونه پورته کړي، د خوراکي شیانو خصوصا غنمو رانیولو او واردولو ته بې له ځنډه اقدام وکړي او د خوراکي شیانو بیې تر خپل کنترول او واك خپلې لاندې راولي چارواکي باید هڅه او هاند وکړي، په نږدې راتلونکي کې د نویو ناخوالو او بشري ناورین مخه ونیسي او که داسې و نه کړي، بې له شکه به د ملت باور له لاسه ورکړي بیا به هلې ځلې ګټه ونه لري.